

شیوه قزلباشی مکتب شیراز

یعقوب آژند^۱

دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۲۵، پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۵/۱۰؛ صفحه ۷ تا ۱۶

Doi: 10.22034/rac.2023.1973573.1033

چکیده

شیوه صفوی مکتب شیراز تابعی از جریان‌های هنری پایتخت صفویان در تبریز، قزوین و اصفهان بود. این شیوه که می‌توان بدان شیوه قزلباشی مکتب شیراز اطلاق کرد، اندکی پس از استقرار امیران طایفه ذوالقدر در فارس پدید آمد و هنرمندی چون قاسم‌بن علی (ملک‌قاسم شیرازی) در پدیداری آن سهمی درخور داشت و همو بود که ویژگی‌های شیوه قزلباشی پایتخت صفویان را در نسخه نگاره‌های شیراز وارد کرد و هنرمندان دیگر به تبعیت از او، این شیوه را ادامه دادند و آن را جایگزین شیوه ترکمانی مکتب شیراز کردند. تأکید بر عناصر معماری، حضور جامه‌های صفوی و از جمله تاج حیدری پیکره‌ها، ورود جلوه‌هایی از زندگی روزمره مردم که بازتابی از مشارکت مردم در آداب و سنن مذهبی و اجتماعی عصر صفوی بود، وجود تذهیبی پرمایه به‌ویژه در سرلوح‌ها و بخش‌های تزئینی نسخه‌ها و حواشی و تشعیرهای غنی از خصوصیات شیوه صفوی مکتب شیراز بود. بیشتر نسخه‌ها را شاهنامه فردوسی، خمسه نظامی، یوسف و زلیخای جامی، ظفرنامه علی‌یزدی، کلیات سعدی، دیوان حافظ و در نیمه دوم قرن دهم هجری نسخه‌های مجالس‌العشاق در برمی‌گرفت. انتخاب این نسخه‌ها با توجه به تحولات هنری پایتخت صورت می‌گرفت. مثلاً با کناره‌گیری شاه‌طهماسب از حمایت هنری و پرداختن به امور مذهبی و اخلاقی، در شیراز کتاب‌آرایی نسخه‌های مجالس‌العشاق که متنی عارفانه و اخلاقی بود، رواج یافت. به‌نظر می‌رسد که امیران طایفه ذوالقدر چندان علاقه‌ای به حمایت هنری نشان ندادند چون نامی از آنها در کتابت نسخه‌ها دیده نمی‌شود. در این مقاله، شکل‌گیری و فراز و فرود شیوه صفوی مکتب شیراز فحص می‌شود و عوامل پدیدآور آن از نسخه‌نگاره‌ها تا مذهبان، نقاشان و کاتبان با روش توصیفی و تحلیلی که برآمده از روش استقرایی است، تتبع شده است.

کلیدواژه‌ها: نقاشی ایرانی، دوره صفوی، مکتب شیراز، شیوه قزلباشی، روزبهان شیرازی.

مقدمه

کتاب‌آرایی در ایران از سبقه طولانی برخوردار است و نگارگران از دیرباز تاکنون تغییرات و تحولات گوناگونی را پشت سر گذاشته‌اند اما همواره این هنر دیرین، جریانی ویژه در فرهنگ و هنر ایران داشته است. در این دوران سبک‌ها و مکتب‌های هنری متعددی در ایران پدید آمدند که مکتب شیراز یکی از آنهاست. این مکتب هنری در دوران صفوی کاملاً از جریان‌های هنری پایتخت صفویان در تبریز، قزوین و اصفهان تبعیت کرده و متأثر از آن بود. «از مهم‌ترین و فعال‌ترین مراکز نگارگری و تذهیب ایران از اواسط قرن هشتم تا پایان سده چهاردهم هجری، مکتب شیراز بوده است» (عظیمی، ۱۳۹۲: ۱۹۱). در دوران صفوی قزلباش‌ها جایگاه ویژه‌ای داشته و ارکان اصلی شاخه نظامی و ارتش پادشاهی این حکومت را تشکیل می‌دادند. با توجه به اهمیت این طبقه خاص هنرمندان نیز توجه ویژه‌ای به آن داشته و قاسم‌بن علی (ملک‌قاسم شیرازی)، از کسانی بود که ویژگی‌های شبهه قزلباشی پایتخت را در نگاره‌های شیراز وارد کرد و سایر هنرمندان این مکتب نیز با تبعیت از او، این شبهه را ادامه و گسترش دادند، تا جایی که جایگزین شبهه ترکمانی مکتب شیراز گردید. با توجه به اهمیت این شبهه هنری این پژوهش تلاش دارد تا به نحوه شکل‌گیری و نیز فراز و فرود شبهه صفوی مکتب شیراز بپردازد. در بررسی یافته‌های این پژوهش سه فرایند وصف (چستی)، ارزیابی (چگونگی) و تحلیل (چرایی) در کار بود، که جملگی برگرفته از روش استقرایی^۱ یعنی حرکت از جزئیات به کلیات با فرایند استدلالی و تحلیلی است، توجه شده است. مواد و مصالح این مقاله مبتنی بر آثار مکتوب، تصاویر و غیره بوده و در این راستا شبهه نقد علمی نیز فراموش نشده است.

پیشینه پژوهش

راجع به شبهه قزلباشی مکتب شیراز مطلبی که دقیقاً عنوان مقاله را در بر داشته باشد یافت نشد. جز اینکه در بعضی منابع (فارسی و لاتین) به تناسب، موضوع اطلاعاتی درج شده است. میمند (۱۳۹۸) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «تحلیل ویژگی‌های فرمی نگارگری مضامین دینی در مکتب شیراز صفوی (مطالعه موردی: نسخه روضه‌الصفافی سیره‌الانبياء والملوک والخلفاء)» به نگارگری دینی در این دوره پرداخته و چهره پوشیده و پیکره‌های بزرگ‌تر از سایر افراد در ترسیم شخصیت‌های مذهبی را از جمله ویژگی‌های مهم و مکرر در این نگاره‌ها معرفی می‌کند. نادری (۱۳۹۸)، در پایان‌نامه «معرفی و بررسی تصویرسازی‌های

شاهنامه پک در مکتب شیراز دوره صفوی (۹۹۵-۱۰۲۰ ه.ق)» به بررسی نگاره‌های این شاهنامه از منظرهای مختلف پرداخته و معتقد است این شاهنامه بسیاری از ویژگی‌های مجلل و فاخر هنر بصری شیراز را در نقطه کمال خود به تصویر می‌کشد. کامیار (۱۳۸۷)، در مقاله‌ای با عنوان «هنرهای سنتی؛ پرونده کتابت و کتاب‌آرایی در مکتب شیراز: نمونه ممتاز تاریخ اجتماعی هنر ایران، (درباره کتاب دستورالکاتب)» شرایط اجتماعی و فرهنگی شیراز و تأثیر آن بر کتاب‌آرایی دوره تیموری (پیش از صفویان) را مورد بررسی قرار داده است. او معتقد است برای شناخت جامعه ایرانی در دوره ایلخانی تا تیموری کتاب‌هایی چون دستورالکاتب آگاهی‌های سودمندی از وضع شهرها و چگونگی اوضاع اجتماعی آن دوره به دست می‌دهد. معتقدی (۱۳۹۲)، در مقاله «بررسی شبهه‌های تذهیب در مکتب شیراز (سده‌های نهم و دهم قمری) روزبهان شیرازی؛ نابغه خط و تذهیب» این هنرمند را یکی از خلاق‌ترین و تأثیرگذارترین هنرمندان در زمینه خط و تذهیب قرآنی در مکتب شیراز برشمرده و به تحلیل آثار او پرداخته است.

احوال سیاسی (۱۰۱۰-۹۰۹ ه.ق)

شاه اسماعیل (حک ۹۳۰-۹۰۶ ه.ق) در سال ۹۰۹ ه.ق وارد شیراز شد و سرزمین فارس را که عملاً آوردگاه شماری از امیران آق‌قویونلو با صفویان شده بود، به سرزمین‌های مفتوحه صفوی ضمیمه کرد (روملو، ۱۳۵۷) و «حکومت شیراز را به الیاس بیک ذوالقدر واگذار کرد» (منشی قمی، ۱۳۵۹: ۸۰). از قرار معلوم بعضی از دیوانیان همچون قاضی محمدکاشی به حکومت کاشان، یزد و شیراز نظارت یافتند و امور نظامی هم به طایفه ذوالقدر سپرده شد. آورده‌اند که «قاضی محمدکاشی در سال ۹۱۶ ه.ق به دلیل بدسری و ارتکاب فسق و فجور به دستور شاه اسماعیل کشته شد» (روملو، ۱۳۵۷: ۱۴۶). حکومت شیراز از سال ۹۱۶ تا ۹۲۰ ه.ق، در اختیار خلیل اسماعیل ذوالقدر قرار گرفت و وی چون در جنگ چالدران از خود سستی نشان داد مغضوب شد و شاه اسماعیل او را از میان برداشت و حکومت شیراز به علی‌بیک ذوالقدر رسید (شیرازی، ۱۳۶۹). علی بیک در سال ۹۳۱ ه.ق درگذشت و شاه‌طهماسب، مراد سلطان ذوالقدر را به حکومت شیراز برگزید. پس از وی هم غازی‌خان ذوالقدر همه‌کاره شیراز شد. چندی بعد شیراز در اختیار ابراهیم‌خان ذوالقدر قرار گرفت ابراهیم‌خان در سال ۹۶۲ ه.ق مغضوب شد و علی سلطان طایبی اوغلی جای او را گرفت. پس از او نیز ولی سلطان حکومت شیراز را به دست آورد.

فقدان حمایت دربار حکومت شیراز، طایفه ذوالقدر است که بیشتر در اختلافات خانگی و تثبیت قدرت خود بودند. گرد آمدن کاتبان در این مکان حکایت از مردمی بودن کتاب‌آرایی و نسخه‌پردازی در شیراز دارد. معلوم نیست که مولانا حسام‌الملک والد ابراهیم به کدامیک از طریقت‌های متصوفه وابسته بود؟ (Uluç, 2006)، شاید ارتباطی نزدیک با ابواسحاق ابراهیم از مشایخ کازرونیه داشته است (Canby, 2002). چون از دوره ترکمانان آق‌قویونلو در شیراز دو نسخه خطی وجود دارد که در مکانی به نام «مقام ابواسحاقیه» مصلاهی شیراز کتابت شده یعنی حاوی خمسه نظامی و خمسه امیر خسرو دهلوی به سال ۸۹۵-۹۶ ه.ق (متعلق به کتابخانه تویق‌پای سرای استانبول، H.1008) و مثنوی مولانا جلال‌الدین رومی به تاریخ ۸۹۹ ه.ق (محفوظ در کتابخانه نور عثمانیه استانبول، No.2566) است؛ بعید نیست این مکان همان آستانه حسام‌الدین ابراهیم باشد (Uluç, 2006) که بعدها در دوره صفویان با امحای طریقت کازرونیه رونق خود را از دست داده است. چون اطلاع داریم که «شاه اسماعیل پس از ورود به شیراز با خطبای کازرونیه مخالفت ورزید و آنها را به نوعی سرکوب و از صحنه خارج کرد» (منشی‌قمی، ۱۳۵۹: ۸۰). به هر تقدیر، در سال ۹۳۵ ه.ق به بعد یعنی سال‌های استقرار قدرت صفوی در شیراز دیگر کتابتی در بقعه‌ها ثبت نشده است. به طور کلی در بقعه حسام‌الملک والدین ابراهیم، دست کم ده نسخه کتابت و تذهیب شده، که به شرح زیر است:

۱. کلیات سعدی که در حدود سال‌های ۹۲۰ تا ۹۳۵ ه.ق، در آستانه مولانا حسام‌الدین ابراهیم کتابت شده و تذهیب دو برگ سرلوح آن را «روزبهان مذهب» انجام داده است (محفوظ در کتابخانه بادلیان آکسفورد، OBL Fraser73).
۲. کلیات سعدی به تاریخ ۹۲۰ ه.ق که در آستانه حضرت قدسی مولانا حسام‌الدین ابراهیم به دارالملک شیراز، کتابت شده است (متعلق به کتابخانه تویق‌پای سرای، H.748).
۳. یوسف و زلیخای جامی که در تاریخ ۹۲۴ ه.ق کتابت شده است (محفوظ در کتابخانه بریتانیا، Pers.20).
۴. دیوان حافظ به تاریخ ۹۲۶ ه.ق که در آستانه حضرت مولانا حسام‌الدین ابراهیم علیه‌الرحمه در شیراز کتابت و تذهیب شده است (متعلق به کتابخانه نور عثمانیه استانبول، ۳۸۱۶).
۵. اسکندرنامه احمدی به تاریخ ۹۲۶ ه.ق که در پناه مولانا حسام‌الدین ابراهیم علیه‌الرحمه در شیراز کتابت و تذهیب شده است (متعلق به موزه هنرهای ترکی و اسلامی در استانبول، ۱۹۲۱).

شاه اسماعیل دوم در شعبان سال ۹۸۵ ه.ق دایگی میرزا محمد، فرزند خود را به ولی‌سلطان واگذار کرد و در سیزده رمضان همان سال درگذشت. سلطان محمد خدابنده که تحت لوای ولی‌سلطان در شیراز بود، همراه امیران و ارکان دولت از شیراز به قزوین آمد و به تخت سلطنت تکیه زد و حکومت شیراز را به «علی بیگ ولد محمدخان سلطان ذوالقدر» واگذار کرد و ولی‌سلطان را که راه ترمز در پیش گرفته بود، تحت تعقیب قرار داد (روملو، ۱۳۵۷). «آخرین فرد از امیران طایفه ذوالقدر، یعقوب‌خان بود که در سال ۹۹۸ ه.ق به دلیل ترمز از فرامین حکومت مرکزی کشته شد و حکومت طایفه ذوالقدر در شیراز پایان یافت و حکومت خاندان الله وردی‌خان در شیراز آغاز گشت» (شیرازی، ۱۳۱۴: ۱۲۴).

تداوم هنری

هرچند شیراز در اوایل حکومت صفوی دچار ناامنی و آشفتگی سیاسی بود، در زمینه هنر کتاب‌آرایی همچنان فعالیت داشت. هنرمندان شیراز به سنت‌های نسخه‌پردازی پایبند بودند و آن را ادامه می‌دادند و به قول بوداق منشی قزوینی^۲ «نستعلیق‌نویس در شیراز بسیارند. همه تقلید یکدیگر می‌کنند اصلاً خط ایشان را از هم فرق نمی‌توان کرد. عورات شیرازی کاتب‌اند و به دستور نقش صورت بر می‌دارند. اکثر سواد ندارند. مؤلف به شیراز رفت و تحقیق کرد. واقعست در هر خانه زن کاتب است و شوهر مصور و دختر مذهب و پسر مجلد. هر چند کتاب که خواهند در یک خانه بهم می‌رسد. اگر کسی را هزار جلد کتاب با زینت میل باشد در یک سال، بی‌خلاف از شیراز به هم می‌رسد همه به یک منوال که در هیچ کار فرق نتوان نهاد و این لطیفه بهرام میرزاست که می‌گفت: در شیراز کتاب می‌کارند. یکی به واسطه بسیاری و دیگری به جهت آن که همه به هم می‌ماند» (به نقل از کفایت، ۱۳۸۸: ۱۱۲). چنین وضعیتی، پدیده جدیدی را که در این دوره در شیراز پدید می‌آید توجیه می‌نماید، یعنی «ایجاد کتابت‌خانه‌ای به نام «آستانه مولانا حسام‌الدین ابراهیم». این کتابت‌خانه تقریباً در فاصله سال‌های ۹۲۰ تا ۹۳۵ ه.ق، فعالیت داشت» (ریشار، ۱۳۸۳: ۱۲۵).

در باب این مکان به دلیل فقدان اسناد و مدارک متقن نمی‌توان به نتیجه‌ای قاطع دست یافت. این مقام شاید نوعی بازار مشترک سهل‌الوصول کتابت برای مشتریان خارجی و داخلی بود. شاید هم قداست این مکان کاتبان را متحداً در آنجا گردآورده تا با تبرک از این آستان به کار کتابت بپردازند. یک احتمال دیگر

طلیعه شبهه صفوی (۹۲۲-۹۴۴ ه.ق)

شاید خمسّه نظامی سال ۹۲۲ ه.ق، با کتابت مرشد کاتب معروف به عطار شیرازی نخستین نسخه‌ای باشد که به شبهه صفوی مکتب شیراز کتاب شده است (متعلق به کتابخانه توطقایی سرای استانبول، R.860) این شبهه جدید زمانی روشن و شفاف می‌شود که نگاره‌های این نسخه با نگاره‌های نسخه‌های پیشین مقایسه شود. بیشتر تفاوت‌ها در تناسب اندام‌ها، بهره‌گیری از نقوش، ویژگی‌های منظرپردازی و عناصر معماری نهفته است. پیکره‌ها کشیدگی پیدا کرده‌اند و بر تزئین سطوح تأکید شده است. پیکره‌ها به پیکره‌های مکتب تبریز شباهت یافته و از تاج حیدری استفاده کرده‌اند. جامه‌ها تغییر یافته و تبدیل به جامه‌های صفوی شده است. به نظر می‌رسد که قاسم‌بن علی از هنرمندانی باشد که در رونق شبهه صفوی مکتب شیراز مؤثر بوده است. رقم هنرمند با سبکی خاص در نگاره‌ها گنجانده شده و حاکی از آن است که نسخه‌های حاوی رقم او از ویژگی‌های بدیع آکنده شده است (Uluç, 2006).

شاهنامه سال ۹۲۸ ه.ق، نسخه‌ای مهم از برای تحول شبهه جدید صفوی مکتب شیراز است چون علاوه بر تاریخ کتابت، دربردارنده یک انجامه با نام کاتب یعنی محمدبن جمال‌الدین کاتب و جای کتابت یعنی شیراز است (متعلق به کتابخانه توطقایی سرای استانبول). این شاهنامه ۴۳ نگاره دارد ولی در سبک آنها وحدتی دیده نمی‌شود. نگاره‌های آن در سه گروه می‌گنجد: گروه اول ویژگی‌های مختلف سبک تزئینی پیشین مکتب شیراز را نشان می‌دهد. گروه دوم با شبهه جدید شیراز اجرا شده ولی با ویژگی‌های کل نسخه‌های مکتب شیراز مشترک است. گروه سوم نگاره‌هایی هستند که قاسم‌بن علی آنها را اجرا کرده و متفاوت با دو گروه یادشده هستند (Uluç, 2006). این نسخه در تعمیق و گسترش شبهه صفوی مکتب شیراز نقشی درخور دارد. چون نوآوری‌های قاسم‌بن علی در آن به‌ویژه در بازنمایی جزییات معماری در نگاره‌های دیگر این قرن ادامه یافت و در نگاره‌های برجسته مکتب شیراز تکرار شد. پیکره‌های تمام‌رخ آن در گروه‌های متعدد، بعدها در بعضی از نگاره‌های مکتب شیراز از جمله نگاره‌های نسخه شاهنامه سال ۹۴۹ ه.ق، تکرار شده است (متعلق به منچستر، JRL، نسخه‌های فارسی شماره ۹۳۲) (Robinson, 1980).

نسخه ظفرنامه یزدی که مرشد کاتب معروف به عطار شیرازی آن را در سال ۹۲۹ ه.ق کتابت کرده، شباهت‌هایی با شاهنامه سال ۹۲۸ ه.ق دارد (محفوظ در کتابخانه بریتانیا، Add.7635).

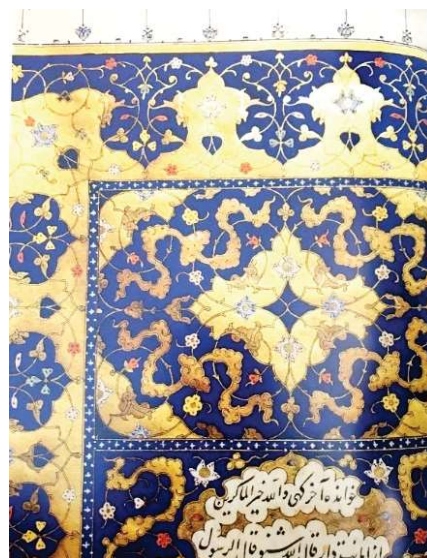
۶. «خمسّه نظامی به تاریخ ۹۲۲-۹۲۷ ه.ق، که آن را محمد کاتب در آستانه مولانا حسام‌الدین ابراهیم در شیراز کتابت کرده است (کاتالوگ فروش ساتبی، لندن، ۷ دسامبر ۱۹۷۰، شماره ۱۹۱)» (Uluç, 2006: 98).

۷. شاهنامه فردوسی به تاریخ ۹۲۸ ه.ق که آن را محمد جمال‌الدین کاتب در آستانه حضرت مغفرت پناهی مولانا حسام‌الملک والدین ابراهیم رحمة‌الله علیه به دارالملک شیراز کتابت کرده است (محفوظ در کتابخانه توطقایی سرای، H.1485). «یکی از تصاویر این شاهنامه را هنرمندی به نام قاسم اجرا کرده است» (Robinson, 1980: 155).

۸. دیوان علیشیر نوایی به تاریخ ۹۳۲ ه.ق که آن را نصرتی کاتب در بقعه مولانا حسام‌الدین ابراهیم کتابت کرده است (متعلق به کتابخانه توطقایی سرای استانبول، R.807).

۹. دیوان حسن دهلوی به تاریخ ۹۱۹-۳۱ ه.ق، که در آستانه مولانا حسام‌الدین ابراهیم در شیراز کتابت شده است (متعلق به کتابخانه ملی پاریس، Supp.Pers.1499). کاتب این نسخه «نعیم‌الدین احمد اوحدی حسینی» بوده است (ریشار، ۱۳۸۳: ۱۳۴) (تصویر ۱).

۱۰. خمسّه نظامی به تاریخ ۹۱۵-۳۴ ه.ق، که در آستانه حضرت مغفرت پناهی مولانا حسام‌الملک والدین ابراهیم کتابت شده است (متعلق به گالری سکالر، واشنگتن) (Lowry & Beach, 1988).

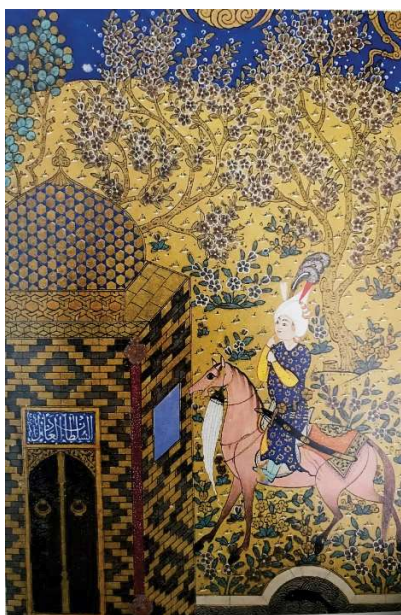


تصویر ۱. بخشی از سرلوح کلیات امیر خسرو دهلوی، با کتابت منعم‌الدین اوحدی، توطقایی سرای استانبول (Uluç, 2006: 94).

است که در آن رقم مذهبی دیگر ثبت شده است (محفوظ در توپقاپی سرای استانبول، H.758)، کتابت این خمسه را مرشد کاتب و محمد کاتب، و همچنین نقاشی و تذهیب آن را حسین مذهب اجرا کرده‌اند (تصویر ۳). گفتنی است که در نسخه شاهنامه ۹۵۶ ه.ق، با کتابت محمد کاتب شیرازی، یک سرلوح دوبرگی وجود دارد که نام حسین مذهب در آن ثبت شده و آن را در شیراز اجرا کرده است (متعلق به موزه هنرهای ترکی و اسلامی استانبول، ۱۹۸۹) (Robinson, 1979). از آثار حسین مذهب کاملاً پیداست که وی با آثار قاسم‌بن علی آشنا بوده و از او الهام گرفته و یا شاید هم یکی از شاگردان وی بوده است. تأثیرگذاری آثار قاسم‌بن علی در شیوه صفوی مکتب شیراز، کیفیت کتاب‌آرایی این مکتب را ارتقاء بخشیده است.

در گالری فریر واشنگتن^۴ نسخه‌ای از خمسه نظامی نگهداری می‌شود که کتابت آن را مرشد کاتب شیرازی در پنجم شوال ۹۵۵ ه.ق به اتمام رسانده و در بر دارنده ۲۵ نگاره است. در این نگاره‌ها سه سبک متفاوت دیده می‌شود. جملگی آنها با ترکیب‌بندی‌های دقیق و ظریف کار شده و در طراحی و تذهیب آن مهارتی درخور دیده می‌شود و به‌ویژه رنگ‌بندی چشم‌نوازی دارد (تصویر ۴). منظرپردازی‌ها، پیکره اسبان، شکل درختان، گیاهان و صخره‌بندی‌ها با مهارت تمام اجرا شده و پیداست که نقاشان این نسخه از سنت نگارگری شیوه

«شباهت نگاره‌های آن با نگاره‌های شاهنامه یاد شده این نظریه را قوت می‌بخشد که این نگاره‌ها هم از زیردست قاسم‌بن علی بیرون آمده است گرچه در بر دارنده نام او نیست» (Titely, 1977: 154). شاهنامه سال ۹۳۹ ه.ق با کتابت پیرحسین بن پیرحسین کاتب شیرازی دارای ۴۷ نگاره است (متعلق به توپقاپی سرای استانبول، H.1482) و شباهت زیادی به نگاره‌های شاهنامه شاه طهماسبی دارد. بیشتر این نگاره‌ها با شیوه صفوی مکتب شیراز اجرا شده و پیداست هنرمندان آن تربیت شده مکتب تبریز صفوی هستند (Uluç, 2006). یکی از هنرمندان و مذهب‌بان این دوره که رقم او در چندین نسخه ثبت شده، محمود مذهب است. از جمله این نسخه‌ها، شاهنامه‌ای در مجموعه برنار برنسون^۵ محفوظ در فلورانس و نسخه خمسه نظامی سال ۹۴۱ ه.ق با کتابت مرشد کاتب (متعلق به توپقاپی سرای استانبول، H.760) است (تصویر ۲). در شاهنامه مجموعه برنسون دو نگاره وجود دارد که در بر دارنده نام محمود مذهب است و در حوالی سال ۹۳۶ ه.ق اجرا شده است یعنی نگاره «سلیمان و بلقیس» و نگاره «جلوس بهرام» (Ettinghausen, 1961)، نام محمود در نسخه خمسه نظامی سال ۴۱۹ ه.ق در نگاره «کشتن قاتلان دارا» ثبت شده است. شماری از نگاره‌های این خمسه قابل انتساب به محمود مذهب است، چون شباهت‌هایی به نگاره یاد شده دارند. خمسه نظامی دیگری از سال‌های ۹۴۷-۹۴۵ ه.ق، موجود



تصویر ۳. خمسه نظامی، اسکندر در کنار قبر شداد، (۹۴۵-۹۴۷ ه.ق)، توپقاپی سرای استانبول (Uluç, 2006: 151).



تصویر ۲. خمسه نظامی، هارون در حمام، (۹۴۱ ه.ق)، با کتابت مرشد کاتب شیرازی، توپقاپی سرای استانبول (Uluç, 2006: 275).

صفوی مکتب شیراز برآمده‌اند (Guest, 1949).

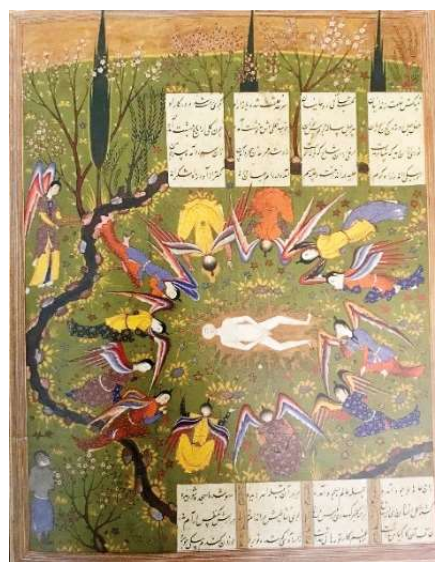
تکامل شیوهٔ صفوی (۹۵۵-۱۰۱۰ ه.ق)

به نظر می‌رسد که شیوهٔ صفوی مکتب شیراز در نیمهٔ دوم سدهٔ دهم هجری به اوج کمال خود رسیده باشد و پس از آن به تدریج رو به افول رفته است. در فاصلهٔ سال‌های ۹۵۷ تا ۱۰۰۸ ه.ق، یک سلسله از نسخه‌های *مجالس العشاق گزرگانه* در شیراز کتاب‌آرایی شده که قابل توجه است. قابل توجه از این حیث که این نسخه پس از نسخه‌های شاهنامه فردوسی، خمسه نظامی، کلیات سعدی و جامی بیشترین کتاب‌آرایی را به خود معطوف کرده است. این اتفاق در فاصلهٔ این سال‌ها ظاهراً باید با تغییر رویکرد شاه طهماسب در امر نگارگری مقارنت داشته باشد که بیشتر نسخه‌های مذهبی و اخلاقی را مورد توجه قرار داده است. *مجالس العشاق* که تألیف آن به سلطان حسین بایقرا و نیز کمال‌الدین حسین گزرگاهی (صدر او) منسوب است، در نیمهٔ دوم سدهٔ دهم هجری به طور منظم در شیراز کتاب‌آرایی شد. نخستین نسخهٔ شیوهٔ صفوی مکتب شیراز از آن مربوط به سال ۹۵۹ ه.ق است که ۷۵ نگاره دارد (متعلق به کتابخانه بادلیان آکسفورد، Nos 754-827) (Robinson, 1958). دومین نسخه از آن در بر دارنده ۷۹ نگاره است و در حدود سال ۹۶۷ ه.ق کتابت شده است (محمفوظ در کتابخانه بریتانیا، or.11837) (Titely, 1977). سایر نسخه‌های *مجالس العشاق* در فاصله

سال‌های ۹۷۷ تا ۹۸۸ ه.ق، کتاب‌آرایی شده است و بیشتر آنها ۷۴ تا ۸۴ نگاره دارند و شباهت‌هایی هم در بین نگاره‌ها دیده می‌شود. نام «جلال» به عنوان مذهب و نقاش در بعضی از نگاره‌ها به‌ویژه نگاره‌های نسخه حدود سال ۹۸۸ ه.ق ثبت شده است. گفتنی است که در بعضی از نگاره‌های *مجالس العشاق* صحنه‌هایی از زندگی روزمره مردم شیراز به‌ویژه در کوچه‌بازار، آن هم در ارتباط با زندگی ساده عارفان دیده می‌شود و این نگاره‌ها از نظر جامعه‌شناسی این دوره قابل توجه است. در این نگاره‌ها حتی می‌توان دربار صفوی، میدان نقش جهان اصفهان، نقاره‌خانه، بازار اصفهان و غیره را مشاهده کرد.

در فاصله سال‌های ۹۷۳ تا ۹۸۸ ه.ق، از آثار بزرگانی چون فردوسی، نظامی، سعدی و جامی دست کم چهار نسخه با شیوهٔ صفوی مکتب شیراز در دست است. اولی کلیات سعدی با کتابت «محمد قاسم کاتب شیرازی» به تاریخ ۹۷۴ ه.ق است (متعلق به کتابخانه بریتانیا، Add.24944). دومی خمسه نظامی با کتابت شاه محمد به تاریخ ۹۷۹ ه.ق است (محمفوظ در توقیاتی سرای استانبول، H.750). سومی *شاهنامه* فردوسی به تاریخ ۹۸۲ ه.ق با کتابت حسن‌الحسین الکاتب (متعلق به توقیاتی سرای استانبول، H.1497). چهارمی نسخه *هفت‌اورنگ* جامی با کتابت هدایت‌الله کاتب شیرازی در حدود سال ۹۸۳ ه.ق است (محمفوظ در توقیاتی سرای استانبول، Uluç, 2006: 751). هر چهار نسخه دارای قطع بزرگ و سرلوح مذهب دوبرگی و نگاره‌های متعدد با رنگ‌بندی روشن و شفاف هستند. در نگاره‌های *هفت‌اورنگ* جامی تأثیراتی از نگاره‌های *هفت‌اورنگ* ابراهیم میرزا دیده می‌شود. از اینها گذشته در سال ۹۷۳ ه.ق نسخهٔ دیگری از *ظفرنامهٔ علی یزدی* کتابت شد (متعلق به کتابخانه ملی روسیه در سن‌پترزبورگ، Dorn, 295) که ترکیب‌بندی‌های نگاره‌های آن شبیه نسخه‌نگاره احسن‌الکبار ورامینی سال ۹۳۵ ه.ق است (متعلق به کتابخانهٔ ملی روسیه در سن‌پترزبورگ، Dorn, 312) (Stchoukine, 1973).

یک دهه بعد یعنی در فاصله سال‌های ۹۸۸ تا ۹۹۸ ه.ق، کتاب‌آرایی شیوهٔ صفوی مکتب شیراز به اوج کمال خود رسید. قطع نسخه‌ها افزایش یافت و ۴۰ تا ۴۵ سانتی‌متر را شامل شد. فضای تصاویر، حاشیهٔ فوقانی را هم در برگرفت و این از خصوصیات کل نسخه‌های نفیس شیوهٔ صفوی مکتب شیراز گردید. فضای تصویر حتی در بعضی نسخه‌ها به حاشیه تحتانی نیز کشیده شد. از این دوره هم چهار نسخه با شکوه و تاریخ‌دار در دست است. از این چهار نسخه، سه نسخه متعلق به شاهنامه



تصویر ۴. نگاره آدم و جگره فرشتگان، خمسه نظامی، توقیاتی سرای استانبول (Uluç, 2006: 201).

نسخه‌ها کاسته شد. بخش‌های تذهیب شده آنها کاهش یافت. تشعیرهای حواشی و نقوش و طرح‌های اسلیمی و ختایی از نسخه‌ها حذف شد و کیفیت رنگ‌بندی‌ها نزول پیدا کرد و تولید کتاب‌های نفیس متوقف گردید. این تحولات ارتباطی مستقیم با سیاست‌گذاری‌های شاه‌عباس اول (حک ۹۹۶-۱۰۳۸ هجری) در مورد هنرها و پیشه‌ها داشت که روی هم رفته آنها را به طرف تجاری بودن سوق داد و از کیفیت هنری آنها کاست. کتاب‌آرایی در پایتخت چندان مورد حمایت قرار نگرفت و بیشتر به نگاره‌های تک‌برگی یا یک‌صورت و فراهم‌سازی مرقعات تأکید شد. بالاتر از همه رشد و گسترش اسلوب فرنگی‌سازی در کتاب‌آرایی و هنرهای تجسمی بود که راه را بر تحولات هنری آینده هموار کرد. در نسخه شاهنامه سال ۹۹۸ ه.ق، با کتابت قوام‌بن محمد شیرازی، شماری از خصوصیات پیشین شیوه صفوی مکتب شیراز ادامه یافته است (متعلق به کتابخانه دانشگاه پرینستون^۴). همچنین شاهنامه‌ای به سال ۱۰۰۰ ه.ق نیز در بردارنده ویژگی‌های مشابه است (محفوظ در توپقاپی‌سرای استانبول، H.1476). هر دو نسخه قطع بزرگ دارند و تصاویر آنها متعدد است. در سرلوح هر دو تصویر سلیمان و بلقیس آمده است. غیر از اینها، از دهه اول قرن یازدهم هجری دو نسخه شاهنامه باقی مانده: یکی به تاریخ ۱۰۰۹ ه.ق (متعلق به کتابخانه بریتانیا، Ous.344) و دیگری به تاریخ ۱۰۱۰ ه.ق (محفوظ در توپقاپی‌سرای استانبول، H.1501). تمامی نگاره‌های این دو شاهنامه در درون قاب قرار دارند و از حاشیه بیرون نزده‌اند و میزان تذهیب هر دو کاهش یافته است. همچنین رنگ‌ها درخشان نیستند و بیشتر کدر و زرد سبز فام هستند، که این نوع رنگ‌بندی تا نیمه قرن یازدهم هجری ادامه یافته است (Uluç, 2006). پیداست که کتاب‌آرایی از اوایل سده یازدهم هجری رو به افول گذاشته، قطع نسخه‌ها کوچک شده و استفاده از جلدهای لاک‌متوقف گشته است. گستره تذهیب نسخه‌ها کاهش یافته و رنگ‌بندی کدر و تیره‌تر شده است. ترکیب‌بندی‌ها ساده و خام اجرا شده و عناصر معماری از نگاره‌ها رخت بر بسته است. پیکره‌ها بیشتر به پیکره‌های دربار شاه‌عباس اول همانند است و به نظر می‌رسد که تحولات کتاب‌آرایی مکتب اصفهان شدیداً در شیوه صفوی مکتب شیراز تأثیر گذاشته و آن را به افول کشانده است.

هنرپروان و هنرمندان

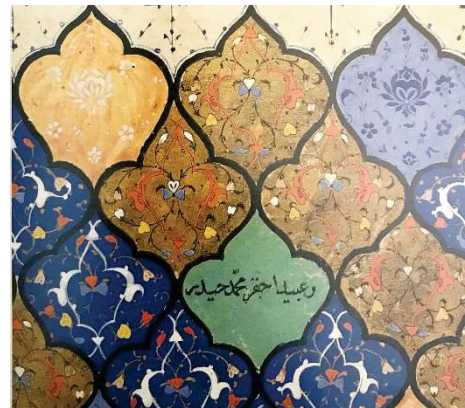
شیراز در قرن دهم هجری به وسیله طایفه ذوالقدر اداره می‌شد ولی در هیچ‌یک از نسخه‌های تولیدی شیراز، نامی از آنها به میان

و یک نسخه از آن مربوط به نظامی است. این نسخه‌ها عبارتند از: «شاهنامه سال ۹۹۲ ه.ق (متعلق به کتابخانه ملی روسیه در سن‌پترزبورگ، Dorn, 334)، شاهنامه سال ۹۹۳ ه.ق (محفوظ در توپقاپی‌سرای استانبول، R.1548)، یک شاهنامه اوراق شده مربوط به سال‌های ۹۷۰ تا ۹۹۲ ه.ق (متعلق به موزه متروپولیتن نیویورک) و نسخه‌ی خمس نظامی سال ۹۹۰-۹۹۲ ه.ق (محفوظ در موزه باستان‌شناسی و مردم‌شناسی دانشگاه پنسیلوانیای فیلادلفیا، NEP.33). هر چهار نسخه قطع بزرگ دارند و نگاره‌های آنها با رنگ‌های روشن و طلایی اجرا شده و دارای سرلوح مذهب دو برگی و تذهیب غنی و پرمایه هستند، که بعضی از نگاره‌ها کل صفحه را در بر گرفته است» (Uluç, 2006: 338).

مذهب شاهنامه اوراق شده محمدبن تاج‌الدین حیدر مذهب شیرازی است. از وی دو قرآن تذهیب شده موجود است: اولی به تاریخ ۹۶۹ ه.ق با کتابت جلال‌الدین عبدالعزیز است که در تذهیب آن نام «محمدحیدر» ثبت شده است (محفوظ در توپقاپی‌سرای استانبول، E.H.67) (تصویر ۵). دومی یک نسخه نفیس به تاریخ ۹۸۰-۹۹۹ ه.ق است که عبدالقادر حسینی آن را کتابت کرده است (محفوظ در توپقاپی‌سرای استانبول، E.H.48). عبدالقادر حسینی همان کسی است که قاضی احمد نام او را در کنار روزبهان مذهب شیرازی ثبت می‌کند که بیشتر کتیبه‌های شیراز را او نوشته است (منشی قمی، ۱۳۶۶).

افول شیوه صفوی (۹۹۸-۱۰۱۱ ه.ق)

در بین سال‌های ۹۹۸ تا ۱۰۱۱ ه.ق، در کتاب‌آرایی شیوه صفوی مکتب شیراز تحولاتی رخ داد و روی هم رفته از کیفیت



تصویر ۵. جزیی از تذهیب قرآن، با رقم محمدحیدر، توپقاپی‌سرای استانبول (Uluç, 2006: 339).

معلوم روزبهان آشنایی نزدیک با منعم‌الدین اوحدی کاتب داشته و این دو در سال ۹۲۰ ه. ق دیوان امیر خسرو دهلوی را کتابت و تذهیب کرده‌اند (متعلق به موزه دولتی برلین، No, 16016) چون نام هر دو در انجام این نسخه به عنوان کاتب و مذهب ثبت شده است.

به طور کلی روزبهان از مذهب نام‌آور نیمه اول قرن دهم هجری شیراز است که در فاصله سال‌های ۹۲۰ تا ۹۶۵ ه. ق، دست کم چهار نسخه را تذهیب کرده است که دیوان/امیر خسرو دهلوی به تاریخ ۹۲۰ ه. ق (یاد شده در بالا)، کلیات سعدی حدود ۹۲۱-۹۲۶ ه. ق (یاد شده در بالا)، قرآن سال ۹۲۹ ه. ق با کتابت پیرمحمد ثانی (محفوظ در موزه ایران باستان تهران) و شاهنامه فردوسی حدود سال ۹۲۶ ه. ق (متعلق به توقاپی‌سرای استانبول، H. 1500) از آن جمله‌اند (تصویر ۶). اینکه وی خطاطی هم می‌کرده، معلوم نیست ولی در تذهیب گوی سبقت را از همگان ربوده بود. از نوآوری‌های او در تذهیب کاربرد بترمه یا ابرماری همراه با شمشه‌ای آکنده از اسلیمی‌ها، ختایی‌ها و نیلوفر در داخل و بیرون آن است که به زیباترین وجه نمود پیدا کرده است (Uluç, 2006).

از دیگر مذهب‌ها برجسته شیراز در این دوره که نام آنها در نسخه‌ها و در رقم‌ها ثبت شده، محمود مذهب، حسین مذهب، جلال مذهب، محمدبن تاج‌الدین حیدر مذهب شیرازی (محمد حیدر) یادکردنی هستند. در این مقام، باید از قاسم‌بن علی نیز نام برد که نگارگری چیره‌دست بود و هموست که شیوه صفوی مکتب شیراز را شکل داده است. دوست‌محمد گواشانی در دیباچه خود بر مرقع بهرام‌میرزا یکی از نقاشی‌های مرقع را به او نسبت می‌دهد، که شامل صورت میرمستوفی است (کتابخانه توقاپی‌سرای استانبول، H. 2154) (Uluç, 2006) (تصویر ۷).



تصویر ۶. شاهنامه فردوسی، سرلوح از روزبهان شیرازی، توقاپی‌سرای استانبول (Uluç, 2006: 165)

نمی‌آید. شاید ماهیت نظامی این طایفه که اوقاتشان را بیشتر صرف امور نظامی و کمک به لشکرکشی‌ها می‌کردند، مانع ورود آنها به امر کتاب‌آرایی و هنرهای وابسته شده است. در واقع وقایع نظامی و سرگرمی این طایفه در امور نظامی نیمه اول قرن دهم هجری به این طایفه فرصت ایجاد کتابخانه سلطنتی محلی را نداده و در نیمه دوم قرن دهم هجری، به دلیل عدول شاه طهماسب از امر حمایت هنری، آنها را از مبادرت به حمایت هنری بازداشته است. از این رو در نسخه‌های قرن دهم هجری شیراز نامی از هنرپروران ثبت نشده است. از این نکته پیداست که در شیراز سفارش نسخه‌پردازی معنا نداشته است. شاید بیشتر نسخه‌های تولیدی برای اهدا خریداری می‌شده و در این صورت باز هم ثبت نام هنرپرور و سفارش دهنده معنا پیدا نمی‌کرد. نکته‌ای که می‌توان بدان تأکید کرد، این است که حضور امیران ذوالقدر در شیراز توانسته بود به قدر کافی امنیت ایجاد کند تا هنرمندان این شهر بتوانند در سایه این امنیت اجتماعی به تولید نسخه‌ها بپردازند. گفتنی است که تولیدات مکتب شیراز از آغاز ماهیت تجاری داشت و حکمرانان محلی با ایجاد امنیت اجتماعی از آن حمایت می‌کردند و این امر را امیران طایفه ذوالقدر هم ادامه داده‌اند تا تجارت کتاب و نسخه‌های خطی و تولید آنها برای دوستداران و خریداران ادامه یابد.

در نسخه نگاره‌های شیوه صفوی مکتب شیراز ثبت اسامی کاتبان و مذهب‌ها رواج داشت. مثلاً در نسخه شاهنامه سال ۹۵۶ ه. ق نام کاتب آن یعنی محمد کاتب شیرازی و جای تولید آن یعنی شیراز در کنار اطلاعاتی راجع به دوازده هنرمندی آمده که به مدت هفت سال در تولید آن کوشیده‌اند. اگر این نسخه را کسی سفارش می‌داده مسلماً نام و نشان او نیز در نسخه ثبت می‌شد (Uluç, 2006). یکی از مذهب‌ها متبحر شیوه صفوی مکتب شیراز «روزبهان بن حاجی نعیم‌الدین کاتب» است که نسخه‌های متعددی را تذهیب کرده است. قاضی احمد در گلستان هنر، روزبهان را از جمله خطاطانی می‌داند که «در اقلام سته مهارت داشت و بیشتر خطاطان فارس، خراسان، کرمان و عراق ریزه‌خواران خوان او هستند» (منشی‌قمی، ۱۳۶۶: ۲۶). حاجی نعیم‌الدین پدر روزبهان هم از خطاطان صاحب نام شیراز بود که در فاصله سال‌های ۸۸۵ تا ۹۱۵ ه. ق، نسخه‌های زیادی را کتابت کرد (بلر، ۱۳۹۶). جد او صدرالدین هم از مذهب‌ها شیراز محسوب می‌شد. «کلیات دهلوی با کتابت منعم‌الدین اوحدی در سال ۹۰۳ ه. ق و کلیات سعدی با رقم روزبهان مذهب دربردارنده تذهیبی غنی از او است» (Gray, 1979: 45). از قرار

به مجموعه کورکیان) شاهنامه به تاریخ ۹۶۰ ه. ق (متعلق به مجموعه گلوبیف) هفت اورنگ جامی بدون تاریخ (محفوظ در کتابخانه بادلیان آکسفورد) شاهنامه به تاریخ ۹۹۸ ه. ق (متعلق به مجموعه رزناخ) و چند نسخه بدون تاریخ را کتابت کرده است (Guest, 1949). از کاتبان دیگر شیوه صفوی مکتب شیراز می‌توان به افراد زیر اشاره کرد: منعم‌الدین اوحدی، پیرمحمد ثانی، محمدبن جمال‌الدین کاتب، نصرتی کاتب، پیرحسین بن پیرحسن کاتب شیرازی، محمدقاسم کاتب شیرازی، شاه‌محمد شیرازی، هدایت‌الله کاتب شیرازی، عنایت‌الله کاتب شیرازی، عبدالقادر حسینی، میرمحسن کاتب شیرازی، نعیم‌الدین کاتب شیرازی، حسن شریف شیرازی، فرید کاتب، حسن بن محمد احسن شیرازی، حاجی محمود شیرازی، مولانا کاتب شیرازی و جلال‌الدین عبدالعزیز شیرازی.

نتیجه‌گیری

شیراز پیش از دوره صفویان سنت گسترده‌ای از کتاب‌آرایی و نسخه‌پردازی را تجربه کرده بود. این سنت با استیلای صفویان بر شیراز در سال ۹۰۹ ه. ق همچنان ادامه یافت. از سال ۹۱۵ ه. ق به بعد نوعی سبک جدید تزئینی پدید آمد که ریشه در شیوه ترکمانان مکتب شیراز داشت، که این شیوه تا سال ۹۲۵ ه. ق ادامه یافت. از این سال به بعد شیوه صفوی مکتب شیراز شکل گرفت که اساساً با شیوه پیش از خود تفاوت زیادی داشت و با حضور خود در حقیقت شیوه تزئینی پیشین را از بین برد. از ویژگی‌های چشمگیر شیوه صفوی در کنار تغییر تناسبات پیکره‌ها و کاهش تزئین سطوح و رواج تاج حیدری، تأکید فزاینده بر عناصر معماری بود که در مکتب تبریز صفوی جایگاهی خاص داشت. در این شیوه برای نخستین بار عناصر معماری کوشک‌ها در نگاره‌ها به نمایش درآمد.

به نظر می‌رسد که قاسم بن علی (ملک قاسم شیرازی) در پدیداری شیوه صفوی مکتب شیراز تأثیری درخور داشته است. سبک او بعدها با ورود عناصر دیگر مکتب تبریز تعدیل شد. از نیمه دوم قرن دهم هجری تحولات جدیدی بر تکامل شیوه صفوی مکتب شیراز سرعت بخشید. جنبه‌های جدیدی از فضابندی معاصر رواج یافت و حضور نسخه‌های مجالس العشاق این فضابندی را متکامل کرد و در بیشتر نگاره‌ها فعالیت‌های زیستی مردمان بازتاب یافت و زندگی روزمره مردم کوچه و بازار وارد نگاره‌ها شد. شیوه صفوی در نیمه دوم سده دهم هجری تأثیرات سبک قاسم بن علی را وا گذاشت و بیشتر به شیوه تبریز و قزوین

نام قاسم بن علی در نگاره‌های نسخه‌هایی ثبت شده که در آستانه حسام‌الملک والدین ابراهیم کتابت شده‌اند. مصطفی عالی افندی او را از شاگردان سلطان محمد و از طراحان نامور یاد می‌کند که اهل عراق عجم است (عالی افندی، ۱۳۶۹). سام میرزا در تحفه سامی او را از بازماندگان شاه شجاع کرمانی می‌داند که شعر نیز می‌گفت و مصور خوب بود و به همه قلم خط را خوب می‌نوشت و در انشای طولایی داشت و در جوانی به سال ۹۴۷ ه. ق درگذشت. همچنین او را ملک قاسم نقاش شیرازی می‌نامند (سام میرزا، ۱۳۸۴). گفتنی است که بعضی از محققان معاصر او را با قاسم علی چهره‌گشا شاگرد بهزاد یکی دانسته‌اند که پیش‌تر در دربار تبریز کار می‌کرد و بعدها به زادگاهش شیراز بازگشت و عوامل پیشرفت شیوه صفوی را در شیراز فراهم کرد (سودآور، ۱۳۸۰؛ Canby, 2003).

از کاتبان برجسته شیوه صفوی مکتب شیراز می‌توان از مرشد کاتب شیرازی مشهور به عطار نام برد. «وی به مدت سی سال در کتابت فعال بود و نسخه‌های متعددی را کتابت کرد که نخستین آنها ظاهراً ظفرنامه‌ی زیدی (محفوظ در کتابخانه بریتانیا) به تاریخ ۹۲۹ ه. ق و آخرین آن ظفرنامه سال ۹۵۹ ه. ق است که می‌باید سال فوت او باشد، چون نسخه نیمه‌تمام باقی مانده و کاتبی به نام حسن شریف آن را به اتمام رسانده است» (Guest, 1949: 24). از کاتبان دیگر که نسخه‌های متعددی با کتابت او باقی مانده، محمد قوام بن محمد کاتب شیرازی است که در فاصله سال‌های ۹۴۰ تا ۹۷۸ ه. ق، فعال بوده است. وی نسخه‌هایی چون یوسف و زلیخای جامی به تاریخ ۹۵۴ ه. ق (محفوظ در کتابخانه دانشگاه کمبریج) سبک‌الابرار جامی به تاریخ ۹۵۸ ه. ق (متعلق



تصویر ۷. مربع بهرام میرزا، صورت میرمستوفی، کار ملک قاسم نقاش، توطیایی سرای استانبول (Uluç, 2006: 110)

عظیمی، حبیب الله (۱۳۹۲)، بررسی تحلیلی مکتب هنری شیراز با استناد به آرایه‌های نسخ خطی، *آینه میراث*؛ شماره ۵۲، صص ۲۳۸-۱۹۱.

کفایت، کوشا (۱۳۸۸)، بخش احوال نقاشان و خطاطان جواهرالخبار؛ (محفوظ در کتابخانه علوم سن پترزبورگ، به خط مؤلف) تألیف بوداق منشی قزوینی (سده ۱۰ق)، *نامه بهارستان*؛ سال دهم، شماره ۱۵، صص ۱۲۰-۱۰۷.

منشی قمی، قاضی احمد (۱۳۵۹)، *خلاصه التواریخ*، تصحیح احسان اشراقی، تهران: دانشگاه تهران.

منشی قمی، قاضی احمد (۱۳۶۶)، *گلستان هنر*، تصحیح احمد سهیلی خوانساری، تهران: منوچهری.

عالی افندی، مصطفی (۱۳۶۹)، *مناقب هنروران*، ترجمه توفیق سبحانی، تهران: سروش.

Canby, Sheila R. (2002). *Safavid Art and Architecture*. London: British Museum Press.

Canby, Sheila R. (2003). *Safavid Painting*. in *Hunt for paradise: court arts of Safavid Iran, 1501-1576*. ed. Jon Thompson & Sheila R. Milan, London: Skira; Thames & Hudson.

Ettinghausen, R. (1961). *Persian Miniature in Bernard Brenson Collection*. Milan: Offiche Grafiche Ricordi.

Gray, B. (1979). *The Art Of Book In Central Asia*. Paris: Unesco Pub.

Guest, Grace (1949). *Shiraz painting in sixteen century*. Washington: Freer Gallery of Art.

Lowry, Glenn D & Beach, Milo Cleveland (1988). *An Annotated and illustrated checklist of rever collection*. Washington: Arthur Sackler Gallery.

Robinson, B., 1958, *A descriptive Catalogue of Persian Painting in the Bodleian Library*, Oxford University Press, Oxford

Robinson, B. (1979). *Paintier_ Illuminator of sixteenth Century Shiraz. Iran*; Vol:17, PP: 105-108.

Robinson, B. (1980). *Persian painting in John Rylands Library*. London: Sotheby.

Stchoukine, I (1973) Qasim ibn Ali et ses Peintures Dans les Ahsan Al Kibar. *Ars Asiatique*; Vol:28, PP: 45-54

Titely, Norah M. (1977). *Miniature From Persian Manuscripts*. London: British Museum Pub.

Uluç, Lale (2006). *Turkman governors, Shiraz artisans and Ottoman collectors : sixteenth century Shiraz manuscripts*. Istanbul: Türkiye Is Bankasi Kültür Yayinlari.

نزدیک شد. شکوه و تجمل نسخه‌ها افزایش یافت و بر عناصر معماری دربار تأکید بیشتری شد. نگارگری متون منظومی چون شاهنامه فردوسی، خمسه نظامی، کلیات سعدی و آثار جامی، ارجی زیاد پیدا کرد. با شروع قرن یازدهم هجری از شکوهمندی و تجمل نسخه‌ها کاسته شد. تذهیب غنی و پرمایه به تدریج کاهش یافت و این مسئله با کاهش قدرت امیران ذوالقدر در شیراز مقارنت داشت. ورود خاندان الله وردیخان به صحنه قدرت شیراز و عدم توجه آنها به کتاب‌آرایی که بازتابی از سیاست‌گذاری‌های شاه عباس اول در پایتخت بود، شیوه صفوی مکتب شیراز را به افول کشاند و همگام با تحولات هنری اصفهان، پایتخت صفویان، به تدریج دچار انحطاط شد؛ گو اینکه در کارگاه‌های هنری شیراز همچنان نسخه‌هایی، البته با کیفیت نامطلوب، تولید می‌شد.

پی‌نوشت‌ها

1. Inductive
۲. بوداق منشی قزوینی از منشیان دولت صفوی و تاریخ‌نگار این دوران است.
3. Bernard Brenson
4. Freer Gallery of Art
۵. احمد منشی قمی (حدود ۹۸۵-۹۲۵ ه.ش) از تاریخ‌نگاران و نویسندگان سده دهم و هم‌عصر شاه تهماسب یکم تا شاه عباس یکم صفوی بوده، که کتاب *گلستان هنر* (شرح حال هنرمندان مختلف آن دوران) از آثار اوست.
6. Princeton University Library

فهرست منابع

- بهر، شیلا (۱۳۹۶)، *خوشنویسی اسلامی*، ترجمه ولی الله کاووسی، تهران: فرهنگستان هنر.
- روملو، حسن بیگ (۱۳۵۷)، *احسن التواریخ*، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: بابک.
- ریشار، فرانسیس (۱۳۸۳)، *جلوه‌های هنر پارسی*، ترجمه عبدالحمید روح‌بخشان، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- سام میرزا (۱۳۸۴)، *تذکره تحفه سامی*، به کوشش رکن الدین همایون‌فرخ، تهران: اساطیر.
- سودآور، ابوالعلا (۱۳۸۰)، *هنر دربارهای ایران*، ترجمه ناهید محمدشمیرانی، تهران: کارنگ.
- شیرازی، عبدی بیگ (۱۳۶۹)، *تکمله/الخبار*، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: نشرنی.
- شیرازی، میرزا حسن (۱۳۱۴)، *فارسنامه شیرازی*، تهران: چاپ سنگی.

COPYRIGHTS

© 2022 by the authors. Published by Soore University. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

